

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفولانزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.



گرافیتی از رپ هم اعتراضی تر است

«جغد» از آن دسته گرافیتی کارانی است که معتقدند گرافیتی یعنی اعتراض: «همه سبک‌های هیپ‌هاپ اعتراضی است اما به نظرم گرافیتی اعتراضی تر است؛ چون مردم بهتر می‌توانند با آن ارتباط بگیرند؛ مثلاً وقتی کسی رپ می‌دهد، بیرون کسی سنتی گوش می‌کند نمی‌آید رپ گوش کند؛ اما با گرافیتی عامه مردم ارتباط می‌گیرند. این هنر روی دیوار اجرا می‌شود و همه مردم با آن مواجه می‌شوند و باعث می‌شود که در ذهن آن فرد جرقه ایجاد شود.» کارهای این گرافیتی آر티ست جنبه‌ای انتقادی و اعتراضی دارد.



همراه با «OWL»، گرافیتی کاری که آثار انتقادی‌اش بازخوردهای بسیاری داشته است

جُغدِ اسپری به دست شب‌های اصفهان

◀ «قاتلان زنجیر‌های»، «موفقیت درون جیب شماست» و «به همین راحتی هنر مند شوید» سه اثر این استریت آر تیست است که بارها در فضاهای مختلف به اشتراک گذاشته شده است

◀ پدرم هنوز نمی‌داند من چه کار می‌کنم. اگر بفهمد همه بساطم را می‌پُکاند

این جوری است که شهرداری رنگ می‌باشد. در اصفهان زودتر از شهرهای دیگر رنگ می‌زنند؛ چون حواسشان به شهر هست. چند وقت است شهرداری آمده و به بچه‌ها دیوار داده که بیا اینجا رنگاریزند.

بر خورد خانواده و دوستان جطور بوده: کسی سدر اهت نشد؟

پدرم هنوز نمی‌داند که من چه کار می‌کنم. او فکر می‌کند که فقط نقاشی می‌کنم. کارگاهی در زیرزمین خانه دارم و آن‌جا کارهایم را می‌زنم و بعد به خیابان می‌روم. اگر بفهمد همه بساطم را می‌پُکاند. مادرم اما می‌داند و هر دفعه می‌گوید دست بردار. برادرم کامل می‌داند اما او هم مخالف است و می‌گوید به جای درو دیوار کارهایت را دیجیتال کن و در اینترنت بگذار. من هم به او می‌گویم که به این شکل از حالت خیابانی بیرون مجازی گردنش.

همه سبک‌های گرافیتی را تجربه کردی: به سبک خاصی علاقه‌مندی؟ همه سبک‌ها را که نه؛ اما شاید در حد دو سه بار. استنسیل را بیشتر از همه دوست دارم؛ چون می‌شود با آن مفهومی کار کرد و خیلی خوشم می‌آید؛ مخصوصاً استنسیل چندپایه.

گرافیتی چه چیزهایی برایت آورد؟ چیزهایی را هم با آن از دست دادی؟

چیز خاصی نداشته‌ام اما گرافیتی باعث شد که در زندگی‌ام چیزهایی درباره جامعه بفهمم و دنبال تحقیق دادم؛ باعث شد کمتر درس بخوانم. من معتاد این کار شدم. حتی در خانه هم فکر و ذکرم گرافیتی بود. درسم خیلی افت کرد. دوره دانشگاه من خیلی طول کشیده و احتمال اخراج شدنم هست. همین موضوع باعث شد که مقداری نسبت به گرافیتی دلسرد شوم؛ چون دیدم دارد آینده‌ام را از من می‌گیرد. روزی زندگی‌ما را خراب می‌کند. تا حالا واکنشی از مردم گرفته‌ای که در ذهنت بماند؟ واکنش‌ها زیاد بوده. یک‌بار من زیر یکی از پل‌های اصفهان کار می‌زدم. همیشه وقتی برای کار می‌روم، یک نفر را با خودم می‌برم که اگر مامور آمد، سریع وسایلم را جمع کنم. اوایل کارم بود و کله‌ششق بودم. ساعت ۶ بعدازظهر رفته جای شلوغ تروآب بزنم. یک‌هوش صدای موتوری آمد و اسپری را در کیفم گذاشتم و شروع کردم با گوشه‌ی حرف‌زدن. بعد موتوری رفت. دوباره شروع کردم به کارزدن که باز هم صدای موتوری آمد و من هم دوباره اسپری را داخل کیفم گذاشتم و شروع کردم با

هیچ ویژگی‌ای ندارد. این‌جا نه امکانات هست و نه کسی با گرافیتی در دست‌برخوردمی‌کند، نه با هنر مندونه با کار روی دیوار. این‌جا تا یکی دو سال پیش حتی اسپری خارجی هم پیدا نمی‌شد. چند وقت است که یک مغازه‌در بالای شهر اسپری خارجی آورده و می‌فروشد. گرافیتی اصفهان خیلی سطحش پایین است؛ نسبت به تهران، مشهد، شیراز، رشت، ... چرا؟ چون امکانات خیلی کم است و مردم با این هنر بدند و با آن حال نمی‌کنند و کار برای پیشرفت سخت‌است.

چند گرافیتی کار فعال در اصفهان کار می‌کنند؟

خودم و «اکوان». اما خب یک سری‌ها هستند که دوتا کار می‌زنند و می‌روند و پیدایشان نمی‌شود. چون گرافیتی هنری است که پول می‌خواهد. فعالیت خودم هم کم‌شده. چون باید از چیزهای دیگر برای گرافیتی‌زدن من الان در سنن‌ام که اگر بخوام از چیزهای دیگر بزنم آینده‌ام خراب می‌شود. باید پشت‌ما به بابای بولداز گرم باشد. اگر می‌توانستم همه پول و وقت‌ما را روی گرافیتی بگذارم، خیلی کارهایی توانستم انجام دهم. این هنر مثل بقیه کارها نیست که بتوان با آن روزگار گذراند.

یعنی به نظر تو آنها بی‌کسه گرافیتی را ادامه می‌دهند، بابای بولداز دارند؟ تو برای گرافیتی کارها طبقه اقتصادی خاصی تعریف می‌کنی؟ نمی‌گویم که بابای بولداز دارند. شاید خودشان پول دارند. منظور من آینده‌است. اگر من بتوانم همه پول‌ما را روی این کار بگذارم خیلی پیشرفت می‌کنم. اما در آخر چه می‌شود؟ شاید توانسته باشم کاری روی جامعه انجام داده باشم، اما برای خودم چه داشته؟ اما برها این‌طور نیستند. آنها بی‌ترک‌با یک پسر تازه آمده‌فیت می‌دهند و از او پول می‌گیرند. ته همه اینها سست تجاری شدن می‌رود. اما گرافیتی این جوری نیست. شاید بشود از گرافیتی پول در آورد، اما من خوشم نمی‌آید.

گرافیتی کارها با تونق خاصی در اصفهان دارند؟ معمولاً کجاها کار می‌کنند؟

پاتوق خاصی ندارند. یک خیابان آمادگاه هست که روبه‌روی هتل عباسی است و پاتوق هیپ‌هایی‌هست. این‌جا جمع می‌شوند. بیرون شهر هم می‌روند و کار می‌زنند. در شاهین‌شهر اصفهان هم جایی هست به اسم سیلابی. شاهین‌شهر گرافیتی کار فعال دارد. آنها آزادتر و متحدترند؛ اما در اصفهان کار سخت‌است؛ علاوه‌بر مامور، مردم هم به تو کار دارند اصلاً دیگر نیازی به مامور نیست؛ خودم مردمی گیرند و پدرت را در می‌آورند.

بچه‌ها در اصفهان چه چالش‌های شهر داری دارند؟ معمولاً کارها چقدر دوام می‌آورد؟ ما این‌جا بیشتر با نهادهای دیگر مشکل داریم و با خود مردم. من آمادگاه کار می‌زنم، بیشتر مردم کار دارند و آمار می‌دهند یا اصلاً خود مغازه‌دارها. چند وقت پیش یک پسر ساعت ۶ آمده بود کار بزند، او را گرفتند و بردند. بعد آن پسر هم شبانه رفت و با اسپری‌اش مغازه کسی که او را رالو داده بود، تخریب کرد. همه جای دنیا

آن‌جا با گیتاری می‌خوانند. می‌ترسیدم کار بزنم. خواننده‌ها شروع کردن به خواندن و کاغذ در آوردم و زدم و فوراً اسپری را در جیبم گذاشتم و رفتم. خیلی می‌ترسیدم.

چه کسی برای بار نخست گرافیتی را در اصفهان شروع کرد؟

وقتی من کارم را شروع کردم، کسی را در اصفهان نیافتم که به من یاد دهد. من از راه فیس‌بوک با چند نا از بچه‌های تهران آشنا شدم و کار زدن را یاد گرفتم. خیلی در اصفهان گشتم که کسی را پیدا کنم تا بتوانم از او کمک بگیرم یا اصلاً فقط با هم برویم و کار بزنیم؛ اما کسی پیدا نشد. مثلاً خود بچه‌های تهران می‌گفتند یکی در اصفهان هست به فلان اسم. من هم گشتم و بعد از دوماه طرف را پیدا کردم. به او گفتم چرا دیگر کار نمی‌کنی؟ گفت فایده نداشت. گفتم چند وقت کار کردی؟ گفت کلاً یک ماه بیشتر کار نکردم. تنها بودم. خیلی گشتم، اما کسی را در اصفهان پیدا نکردم. در کاشان «رضا ریتور» را دیدم، اما در خود اصفهان کسی نبود. چند وقت که گذشت فهمیدم یکی در سیاهان شهر هست که تازه شروع کرده و سن کمی

هم دارد. رفتم دیدمش و با هم دوست شدیم و چند تا کار با هم داشتیم. بعد یک سری اتفاقات بین ما افتاد و کلاً دوستی‌ما ن به هم خورد. تا این که گذشت و گروهی از تهران آمدند اصفهان و نمایشگاه گرافیتی گذاشتند. من اصلاً باورم نمی‌شد. گفتم عجیب است من این همه گشتم و کسی پیدا نشد، حالا گروهی آمده‌اند که نمایشگاه هم برپا کرده‌اند. اولش نمی‌دانستم که از تهران آمده‌اند. اسمشان گروه «آمیخ» بود.

باز خوردها نسبت به حضور این گروه در اصفهان چطور بود؟

خب یک سری‌ها آمدند تا ببینند ماجرا چیست. این گروه شروع کردند به خیلی‌ها کار یاد بدهند. یکی از همین‌ها «اکوان» بود که از این گروه بالا آمد. شاید هم قبلاً کار می‌کرد، اما با اینها آمد بالا. الان هم کسانی در گرافیتی اصفهان هستند؛ اما من دوست ندارم با کسی در ارتباط باشم. دوست دارم با خودم باشم کلاً.

مردم اصفهان فاز خوبی با گرافیتی ندارند. خیلی حرف می‌زنند. اصلاً کسی به گرافیتی نگاه نمی‌کند؛ فقط آنها بی‌کده‌دغه دارند و به مسائل جامعه حساب‌اند. بقیه اما بد و بیراه هم می‌گویند که چرا دیوارها را خراب می‌کنید.

گرافیتی اصفهان نسبت به گرافیتی بقیه شهرهای ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟

امیرها تنی‌نیا! جغد‌ها شب‌ها به پرواز در می‌آیند. سیستم بدنی‌شان برای زندگی در شب ساخته شده. زمانی که همه به خواب فرو رفته‌اند، با چشم‌های باز چرخ می‌زنند و با گردش ۳۶۰ درجه‌ای گردنشان هوای همه طرف را دارند. جغد شب‌بیدار اصفهان علاوه‌بر چشم‌های هوشیار و زندگانی در دل شب، اسپری در دستانتش دیده می‌شود. «جغد پرندۀ‌ای است که شب تا صبح بیدار است و ما هم بیداریم و کارهایمان را شب می‌زنیم. برای همین این اسم را انتخاب کردم.» جغد خیابان‌های اصفهان که کارهایش با استقبال گسترده‌ای مواجه شده و فراتر از خیابان‌های نصف جهان بارها در دیوار شب‌سبک‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده، در خانه اما نقاش ساده‌ای است که پدرش حتی از کار او اطلاعی ندارد. «جغد» با تجاری شدن گرافیتی مخالف است و معتقد است اگر این ماجرا تجاری شود کسی به فکر درد مردم نخواهد بود و همه دنبال پول می‌روند. او در ادامه قصه جذاب دیوارها و شب‌های اصفهان را تعریف می‌کند.

گرافیتی را از کی شروع کردی؟ و چطور؟ نزدیک ۷ سال پیش. روی دیوار در فیلم‌های آمریکایی طرح‌هایی می‌دیدم و به‌نظرم با حال می‌آمد. در هنرستان سر کلاس فتوشاپ بودم. استادمان روی کاغذ داشت لوگو طراحی می‌کرد و حالت گرافیتی داشت. گفتم اسمشان چیست؟ گفت به این نقاشی‌ها برایش می‌گویند.

بعد هم من شروع کردم و به این شکل اسم خودم را زدم.

«جغد» از کجا آمد؟ بوتیکی بود که لباس لش و هیپ‌هایی می‌فروخت. گشت کارت ویزیت برابم طراحی کن. گشت اسم مغازه جغد است و لوگوی جغد بزن. بعد از طراحی، خودم از اسم و لوگو خوشم آمد. بعد از مدتی مغازه‌اش را جمع کرد و من هم این اسم و لوگو را برای خودم برداشتم. جغد پرندۀ‌ای است که شب تا صبح بیدار است و ما هم بیداریم و کارهایمان را شب می‌زنیم. برای همین این اسم را انتخاب کردم. بعد از مدتی فهمیدم که جغدی هم در تهران هست. اما نمی‌توانستم این را عوض کنم. چون با این اسم کار زده بودم. در گرافیتی اسم و لیبل مهم نیست، مهم اعتراض است. من به بزرگ کردن لیبل خودم فکر نمی‌کنم. برابم تاثیر گذاری مهم‌است.

معمولاً چه ساعت‌هایی برای کار زدن بیرون می‌روی؟ معمولاً یک و دو می‌روم. تابستان‌ها اما ساعت چهار هم رفتم که کار زدم. هروقت می‌روم کار بزنم تی‌شرت مشکی می‌پوشم که کمتر من را ببینند.

معمولاً داخل شهر کار می‌زنی یا خارج از شهر؟ همه‌اش داخل شهر است. آن‌هم مرکز شهر؛ چهارباغ و آمادگاه. باید داخل شهر کار زد. این‌که برویم بیرون شهر و کار بزنیم و عکس بگیریم و در اینستاگرام بگذاریم که فایده‌ای ندارد. اما مثلاً تروآب ممکن است بعضی‌ها برای دل خودشان بزنند و آن مسأله‌ای ندارد.

نخستین بار چطور اسپری خریدی؟ مارک و قیمتش را به یاد داری؟ چیزی از نخستین بار که اسپری گرفتی در ذهنت هست؟

نزدیک خانه‌مان یک رنگ فروشی بود که اسپری گلریز خریدم و خیلی هم خوب بود. نخستین کاری که می‌خواستیم با اسپری بزنم، در پل آرد بود که می‌آیند و